

فقیه محتاط

گفت‌وگو با دکتر رحیم نوبهار شاگرد برجسته آیت‌الله العظمی موسوی اردبیلی



■ اصول و چارچوب‌های روش فقهی آیت‌الله العظمی موسوی اردبیلی چگونه بود؟

در مورد روش، همان‌طور که می‌دانید در حوزه‌های علمیه به لحاظ آنچه امروزه روش نامیده می‌شود، رویکرد یکسانی وجود ندارد. بلکه گاه از مکتب‌های مختلف سخن گفته می‌شود البته باتوجه به عناصر و ویژگی‌های لازم برای تحقق یک مکتب، سخن گفتن از مکتب فکری به این معنا آسان نیست. شاید سخن گفتن از تنوع روش‌ها و رویکردها مناسب‌تر از سخن گفتن از مکاتب باشد. در هر حال روش‌ها یکسان نیست. از همین رو می‌بینیم که در مباحث تاریخ حوزه‌ها، از مکاتب فقهی قم، نجف، سامرا و حله سخن گفته می‌شود.

این تنوع و تکرار البته به دانش فقه محدود نیست. در مسائل کلامی هم مکتب قم اول (که تاریخ آن به قرن دوم و اوایل قرن سوم باز می‌گردد) با مکتب کلامی بغداد متفاوت بود. رویکرد مکتب بغداد به مسائل الهیاتی بیشتر عقلی بود. حال آن که رویکرد مکتب قم بیشتر نقلی و حدیثی بود. به‌هر حال در مسأله روش فقهی این که فقیه به مسائلی مانند نقد و تحلیل‌های سندی به چه میزان بها بدهد و روایات را صرفاً به علت شهرت آن نپذیرد، این که فقیه در استنباط احکام چه اندازه به قرآن مجید بها بدهد، به شهرت‌ها و اجماع‌های موجود به‌ویژه اجماع قدما چه اندازه ارج و منزلت بدهد و مسائلی از این دست، اصول و چارچوب‌های روش فقیه را سامان می‌دهد. مناسب است یاد کنم که استاد مرحوم آیت‌الله قدس سره - که بسیار فقیه شهرت‌گرای بود و از شاگردان میرز مرحوم آیت‌الله خویی و امام خمینی قدس سره - بود به لسان تأیید از یکی از بزرگان فقه‌ت‌نقل می‌کردند که گفته بود: اگر در مسأله‌ای به فتاوی‌های شهیدین (شهید اول و دوم) و شیخین (شیخ مفید و شیخ طوسی) و علامه حلی مراجعه کنم و آنها را در آن مسأله متحدالرائی ببینم، دیگر به ادله مراجعه نمی‌کنم. یعنی بعضی اینقدر به آرای پیشینیان اهتمام دارند. آیت‌الله قدس سره می‌گفتند: من نتوانستم به درستی هیچ‌یک از فتاوی‌های نو و متفاوت آیت‌الله خویی که متفاوت با مشهور بود، اطمینان پیدا کنم. طرفداران این دیدگاه البته استدلال‌های خاص خودشان را دارند که اکنون فرصت پرداختن به طرح و نقد آنها نیست؛ ولی جدی گرفتن این رویکرد در عمل به نوعی سد باب اجتهاد است.

مرحوم آیت‌الله موسوی اردبیلی این منی و روش را نداشته. ایشان به‌علت این که هم محضر بزرگانی مانند آیت‌الله خویی را درک کرده بود و هم از بزرگان مکتب قم مانند آیت‌الله بروجرودی و آیت‌الله محقق داماد بهره‌مند شده بودند در عمل ترکیبی از روش اجتهادی قم و نجف را به کار می‌گرفتند. از یکسو معرب شهرت‌ها و اجماع‌های موجود نبود؛ مخصوصاً به شهرت روایت صرفاً به‌علت شهرت آن عمل نمی‌کرد، بلکه همان گونه که در کتاب‌ها و مباحث فقهی ایشان می‌توانید ملاحظه کنید نوعاً به تحلیل‌های سندی اهمیت می‌دادند؛ اما عبور از رای مشهور را هم آسان نمی‌گرفتند.

همان گونه که در جای دیگر هم یادآور شدم به بناهای عقلایی اهمیت می‌دادند و با تفسیرهای ادبی و لفظی افراطی که گاه با تمسک به اطلاق یک متن انبوهی از احکام مهم را استنتاج می‌کند میانه‌ای نداشتند. بر داشت من این بود که دغدغه داشتند خوانشی انسانی از دین به‌دست بدهند. به همین دلیل ایشان دیدگاه سنتی درباره ارتداد را با چالش‌های سختی مواجه کرده‌اند. به حقوق مردم در برابر حکومت که حتماً باید توسط حکومت - هر گونه حکومتی - پاس داشته شود تأکید داشتند. با مفاهیم دنیای مدرن مانند آزادی و کرامت سر ستیز نداشت. البته می‌دانیم که سیر و سیاحت در فقهی در این میدان پر مخاطره است و باتوجه به شرایط و جو عمومی حاکم، آسان نیست. در نوشته‌های ایشان می‌بینید که اشکالاتی که به احکام شرع می‌شود را مطرح می‌کردند و موافق دیدگاه خودشان پاسخ می‌گفتند. اصل این رویکرد و توجه به اشکالات - جدا از این که پاسخ چه باشد - نشانگر ذهن دغدغه‌مند است. مثلاً به اشکالات وارد بر قصاص یا اجرای حدود یا قطع دست می‌پرداختند و مطلق میانی خود پاسخ می‌گفتند. آیت‌الله موسوی اردبیلی ذهنی بسیار عرفی داشتند.

حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر رحیم نوبهار، از شاگردان برجسته و شناخته‌شده مرحوم آیت‌الله العظمی موسوی اردبیلی، از سال ۶۷ در خدمت این مرجع تقلید بوده است؛ و برخی از کتب آیت‌الله العظمی موسوی اردبیلی از جمله مناسک حج و... را از سخنان و نوشته‌های ایشان گردآوری کرده است. محور کلی گفت‌وگوی مهربانه با این استاد حوزه و دانشگاه، پیرامون شخصیت فقهی و علمی آیت‌الله العظمی موسوی اردبیلی (ره)، اصول و چارچوب‌ها و در نهایت نوآوری‌های فقهی این مرجع تقلید بود. دکتر نوبهار در دوره‌ای مدیر گروه معارف دانشگاه مفید قم بود و در حال حاضر نیز عضو هیئت علمی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی تهران است.

یادم هست استفتایی خدمت ایشان آورده بودند؛ خامی پرسیده بود: شوهر من توقع دارد عصرها که از کار به خانه برمی‌گردد جای برای او بپریم آیا بر من واجب است؟ طبعاً جواب ابتدایی که فضایی اصحاب استفتا نوشته بودند تابه تأیید ایشان برسد این بود که: خیر بر شما واجب نیست. البته باتوجه به این که در نظام حقوق خانواده در اسلام کار کردن در منزل بر زن واجب نیست این امر درست و مسلم است؛ ولی آیت‌الله فرمودند: اگر کار کردن در خانه در عرف محل عقد رایج باشد به گونه‌ای که این اندازه، ارائه خدمت توسط زن به شوهر مانند شرط ضمن عقد باشد از باب عمل به شرط ضمنی و شرط مبنی علی‌العقد واجب می‌شود. ملاحظه

می‌کنید که ایشان در این مورد به نص و ادله موجود در مسأله به‌طور انتزاعی نظر نکردند بلکه مسأله را در بستر عرف ملاحظه نمودند. این رویکرد در روش فقهی ایشان برجسته بود.

■ نوآوری‌های فقهی ایشان را چگونه تحلیل می‌کنید؟

مرحوم آیت‌الله اردبیلی فرزند زمانه و فقهی‌ی زمان ششلی بود. تغییر و تحولات عقلایی را جدی می‌گرفت و با موضوعات احکام شرعی با دقت رفتار می‌کرد. به این واقعیت که برای نمونه مسأله‌ای مانند تورم ممکن است بر برخی احکام ربا و قرض اثر داشته باشد توجه داشتند. یادم هست در مجلس درس یکی از اساتید بزرگ و مرحوم که معتقد بودند تورم نمی‌تواند بر حکم شرعی اثر داشته باشد ایشان به روایتی اشاره کرد که به بحث اختلاف قیمت اشاره داشت. ایشان می‌خواستند باتوجه به اشاراتی که در این روایت به تورم شده نتیجه بگیرند که پس تورم در زمان صدور روایات از معصومان (ع) هم بوده است و منشاء اثر شناخته نشده است. ولی برخی مانند آیت‌الله اردبیلی این پرسش را مطرح می‌کنند که آیا تورم در دوران پیشین مانند تورم در جوامع امروزی است؟ آیا در زمان‌های گذشته اختلاف قیمت کالاها و نوسان آنها این اندازه بوده است؟ اگر نرخ تورم شدید باشد آیا باز هم با استناد به آن گونه روایات می‌توان گفت تورم در مسائلی مانند قرض و ربا هیچ اثری ندارد. در واقع بخشی از نوآوری‌های ایشان به موضوع‌شناسی بازمی‌گردد. شاید برخی از فتاوی‌های ایشان مانند جواز قرض‌دادن ارزش پول به‌جای مبلغ اسمی آن ناشی از همین توجهات است. ایشان اصرار داشتند که باید موضوعات را از نظر کارشناسی فهم کرد. دقت‌های موضوع‌شناسی در اجتهاد بسیار با اهمیت است. ایشان همچنین به مفاهیم اجتماعی بها می‌داد و مسائلی مانند حرج و ضرورت را فراتر از مسائل شخصی در حوزه امور کلان اجتماعی هم بکار می‌گرفت. هر چند این مفاهیم را ضابطه‌مند بکار می‌گرفت. البته باید توجه داشته باشیم که آیت‌الله موسوی اردبیلی هم در دوران تحصیل دروس سطح و هم دروس خارج استادان محتاطی هم داشته‌اند. کسانی مانند آیت‌الله مرتضی حائری و آیت‌الله سیداحمد خوانساری هم بر ایشان اثر داشته‌اند. روح حزم و احتیاط ایشان که گاه به‌رغم آن که شخصاً به گونه‌ای دیگر می‌اندیشید در صدور فتاوی‌ها محتاط بود زیر تأثیر چنین استادانی است.

■ امروزه بحث تحول در حوزه، از سوی کارشناسان و مسئولان حوزه‌های علمیه کشور، بسیار مطرح می‌شود و در همین راستا گفته می‌شود، یکی از راهکارهای تحول در حوزه این است که علاوه بر فراهم کردن سازوکاری برای مجتهد و فقیه شدن طلاب و روحانیون که البته از قدیم‌الایام وجود داشته، باید سازوکاری فراهم شود تا طلاب و روحانیون، متخصص هم شوند، یعنی در علوم روز دنیا مانند، روانشناسی، جامعه‌شناسی، اقتصاد و... نیز متخصص شده و صاحب‌نظر باشند. به نظر می‌رسد آیت‌الله العظمی موسوی اردبیلی از حدود ۳۰ سال پیش با تأسیس دانشگاه مفید، در همین اندیشه بودند. نظر شما در این خصوص چیست؟

آن گونه که من در اثر مصاحبت حدوداً ۲۸ ساله با ایشان در فراقتم این دغدغه ایشان به زمانی دور دست باز می‌گردد، نه ۲۰ سال گذشته. بارها از ایشان شنیدم که می‌فرمود: روز گاری عالم دینی مردم، شیخ بهایی بود که خود سرآمد در بسیاری از علوم زمانه بود، در حالی که سطح سواد عمومی

شخصیت کلی معظم له موثر بود؟

همان گونه که اشاره کردم ایشان هم محضر آیت الله خوینی و هم محضر آیت الله بروجردی و محقق داماد (پدر بزرگوار آیات سیدعلی و سید مصطفی محقق داماد) را درک کرده بودند. ایشان البته به مجالست و گفتگو با مرحوم امام خمینی به مشی و منش ایشان هم آشنایی کامل داشت. ایشان برای مقام علمی آیت الله خوینی احترام خاصی قائل بود. به آرای آیت الله العظمی بروجردی بسیار بها می دادند. چون بعد رستی بر آن بود که مرحوم آیت الله منتظری سخت از استادش آیت الله العظمی بروجردی اثر پذیرفته است به آرای ایشان هم بها می دادند. آیت الله موسوی ویژگی های ذهنی خاصی هم داشتند و به برخورداری از ذهن وقاد و تحلیلی مشهور بودند. می دانید که فیلسوفان تحلیلی معتقدند که وظیفه فیلسوف تبیین درست و دقیق مفاهیم است. اگر مفاهیم به خوبی تبیین شوند بسیاری از سوء تفاهات برطرف می شود؛ محل نزاع روشن می شود و زمینه برای وفای علمی پدید می آید. روش و منش آیت الله اردبیلی این بود که در مواجهه با هر مسأله ای صورت های گوناگون آن را ترسیم می نمود تا روشن شود که آنچه به ظاهر یک مسأله جلوه می کند مسائل گوناگونی است که باید از یکدیگر تفکیک شود. برخورداری از چنین رویکردی می تواند در نوع فتوا اثر گذار باشد.

■ حرکت و منش آیت الله العظمی موسوی اردبیلی در جایگاه یک مرجع تقلید و عالم دینی، تا چه میزان در راستای ایجاد وحدت در جهان اسلام بود؟ آیا می توان به این موضوع پرداخت؟

بی شک آیت الله موسوی اردبیلی فقهی وحدت گرا بود. اختلافات فرقه ای را بر نمی تابید ضمن این که به پاسداری از چارچوب های فقه شیعی و مکتب فقهی اهل بیت سخت دلدار و پایبند بود. بارها تأثر و تأسف شدید ایشان از تفرقه افکنی های مذهبی را از نزدیک شاهد بودم. فراموش نکنیم که آیت الله موسوی اردبیلی آن گونه که من از خود ایشان شنیدم و شواهد تاریخی هم به روشنی گواهی می دهد یکی از فعالان دعوت از آیت الله العظمی بروجردی بود و آیت الله بروجردی پرچمدان دعوت به وحدت بود. حتی گاه شخصاً به ایشان پیشنهاد ارتباط علمی با بزرگان مسیحیت و به ویژه مسیحیت کاتولیک را می دادم. بسیار استقبال می نمودند. هر چند گاه احساس می کردند که متأسفانه در حوزه ها زمینه برای پیگیری این گونه روابط چندان مساعد نیست و در این گونه کارهای بزرگ گاه احساس تنهایی می کرد.

■ حرکت معظم له در جایگاه یک مرجع تقلید، تا چه میزان، در خود حوزه های علمیه، ما، همگرایی و وحدت را باعث می شد؟ و همین طور ایجاد وحدت و رفع کدورت ها در فضای سیاسی و اجتماعی کشور؟

به این معنا هم آیت الله موسوی اردبیلی بسیار وحدت گرا بود. با آنکه روشن بینی خاص و دیدگاه های ویژه داشت به همه نیروهای اجتماعی بها می داد. این یک ادعا نیست. شما در دانشگاه مفید که یادگار ارجمند ایشان است می بینید که همه نیروهای اجتماعی با گرایش ها و سلاقی گوناگون فعالیت و همکاری می کنند. در اداره بیت، مؤسسات و مدارس تحت اشراف ایشان هم مطلب از همین قرار است. گرایش های مختلف گرد ایشان بودند. در جریان حوادث پس از انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸ شاهد بودم که در صدد رایزنی با دیگر مراجع بزرگوار برای حل و فصل مسأله امت آمیز مسائل با کمترین هزینه بود. پس از آن نیز برای حل مسأله امت آمیز مسائل باقی مانده به سهم خود کوشید. هر چند در عمل کمتر موفق شدند. به دلیل برخورداری از همین روح وحدت گرایی، مقبول جناح ها و جریان های مختلف حوزوی بودند. هم از نهادهای رسمی متولی اداره حوزه حمایت و پشتیبانی می کردند و هم از طلاب و فضایی که احیاناً به گونه ای دیگر می اندیشیدند و دارای دیدگاه انتقادی بودند. ■

مردم پایین بود امروزه که سطح دانش عمومی در حال افزایش است روحانیت به عنوان هدایتگر دینی مردم باید سطح والاتری از دانش داشته باشد. از همین رو ایشان بر ضرورت آشنایی طلاب و روحانیون با شناخت کارشناسانه موضوعات و احکام تأکید داشتند. در اینجا باید بر این نکته مهم تأکید کنم که تأکید آیت الله موسوی اردبیلی بر شناخت زمان و زمانه و دیدگاه ها و گفتارهای مسلط زمانه رویکردی علمی بود. ایشان بر آن بود که ما باید بدانیم دیگران درباره موضوعاتی که به ما یا مسائل شرعی مربوط می شود چگونه می اندیشند و شاید حتی بتوانیم در این باره از آنان چیزی فرا بگیریم. این نکته مهم است. گاه ما دانشگاه تأسیس می کنیم اما قصدمان از اول برای ردیه نویسی است. با این پیش فرض است که علوم اولین و آخرین در اختیار ماست و ما باید دیدگاه های دیگر را صرفاً رد کنیم. در تلاطم همین دیدگاه است که می گوئیم باید شیعه جوانان را رفع کنیم. یعنی از اول فرض مان این است که دیگران دچار شیعه و اشتباهی شده اند و ما می خواهیم اشتباه آنان را رفع کنیم؛ نه اینکه می خواهیم در پایم دیگران به مسأله از چه نظر گاهی نگاه می کنند. این گونه ورود به علوم و دانش های نوین مناسب نیست و گاه سبب جهل مرکب می شود. باید بدون پیش داوری دانش های زمان را شناخت و رد و قبول کرد. آرمان اولیه آیت الله موسوی - قدس سره - در تأسیس دانشگاه مفید این بود که طلاب فاضل و مجتهد با قریب الاجتهاد در یک رشته تخصصی و کارشناس شوند و بر مسائل آن حوزه اشراف داشته باشند. پادم هست زمانی که برای نخستین بار برگزاری دوره های کارشناسی ارشد حقوق در دانشگاه مفید مطرح شد آیت الله بر تقدم و اولویت دوره حقوق بین الملل بسیار تأکید داشتند. می فرمودند: من در سال هایی که درگیر کار اجرایی بودم بسیار اتفاق می افتاد که مسائل بین المللی پیش می آمد ولی کسی را نداشتیم که هم بر مسائل اسلامی اشراف داشته باشد و هم موازین و نظام حقوق بین الملل را بشناسد می بینید در این رویکرد مسأله شناخت مطرح است. این تفاوت می کند با رویکردی که با پیش فرض ها و دیدگاه های خود درباره حقوق بین الملل شجاعانه صحبت می کند و حتی آن را نقد می کند. بی آنکه چند صفحه درباره آن مطالعه داشته باشد. یکی از محصولات و دستاوردهای این رویکرد پرورش نیروهایی مانند استاد فقید مرحوم دکتر ناصر قربان نیا (یکی از قربانیان فاجعه متا) بود که هم به مسائل فقهی اشراف داشت و هم نظام حقوق بین الملل را می شناخت. بهر حال ایشان هم بر تخصص گرایی و هم بر زمان شناسی فقیه و مجتهد بسیار تأکید داشتند. شما می بینید که ایشان در کتاب های فقهی خود گاه به قوانین کشورهای مانند مصر یا آرای حقوق دانان بزرگ مصری هم اشاره دارند. این انماه همان روح جست و جویی و پیگیری روزآمدسازی فقه است.

■ چگونه این اندیشه در وجود آیت الله العظمی موسوی اردبیلی ایجاد شد؟
همان گونه که اشاره کردم این اندیشه ها یکپروژه پدید نیامده است. فراموش نکنیم که ایشان یار و دوست اندیشمندانی مانند مرحوم مطهری، بهشتی، امام موسی صدر و مرحوم باهنر است. زمانی آیت الله موسوی اردبیلی کلاسور بزرگی که حاوی یادداشت های زیادی بود را به من دادند و فرمودند: مروری کنید ببینید آیا در این یادداشت ها مطلبی که برای حل مسأله ای از مسائل کنونی سودمند باشد یافت می شود؟ فرمودند: ما این سبک مطالعات را مشترکاً با مرحوم شهید بهشتی انجام می دادیم. وقتی یادداشت ها را مطالعه کردم واقعا شگفت زده شدم از اینکه این بزرگان چه دغدغه های بنیادین و عمیقی داشته اند. بخش زیادی از این یادداشت ها به تحلیل ماهیت وحی و انواع وحی اختصاص داشت. مباحثی که شما می بینید اخیراً مطرح شده است. این یادداشت ها مربوط به دوره جوانی ایشان بود. به مراحل آن روح زمان شناسی ایشان پیشینهای طولانی دارد.

■ آیت الله العظمی موسوی اردبیلی در فقه و فقهات بیشتر متأثر از کدام یک از علمای بزرگ حوزه تشیع بودند؟ و چرا؟ و این مسئله چقدر در حرکت علمی و همچنین در



آیت الله موسوی اردبیلی در کنار آیت الله خامنه ای، هاشمی و موسوی خوینی



آیت الله موسوی اردبیلی در کنار آقای هاشمی و دکتر باهنر